

تأملی بر مفهوم خاطره‌انگیزی و عوامل سازنده آن در دانشکده‌های آموزش معماری^۱

اکرم السادات خیرالسادات^۲
سید محمدحسین آیت‌اللهی^۳
سیده مرضیه طباییان^۴
مرضیه پیراوی ونک^۵
مریم قاسمی سیچانی^۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۲

چکیده

توان‌مندی و پتانسیل نهفته و آشکار در فرم و کالبد معماری دغدغه اصلی این پژوهش است؛ این پدیده که قادر است با حس ارتباط مخاطب پیوند عمیقی کند، در ارتباطات متقابل با بستر موجود و ارائه مفاهیم نهفته در آن به شدت عجیب است. در این مقاله در نظر است معرفی عوامل مذکور از زاویه‌ای جدید مورد تبیین قرار گیرد، بنابراین از "نظریه داده‌بنیاد" که یکی از روش‌های پژوهش کیفی است، استفاده شده است. برای اثبات کارایی این روش نیز دانشکده معماری یزد به عنوان مطالعه موردی انتخاب شد تا شرح گام به گام مراحل اجرای این پژوهش را تبیین نماید. شرکت‌کنندگان در این پژوهش متشکل از ۲۰ نفر از معماران فارغ-التحصیل از دانشکده معماری یزد بود که با استناد به روش گلوله برفی^۱، نمونه‌گیری نظری و انتخاب شدند. تجزیه تحلیل اطلاعات بر اساس سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (گزینشی) انجام شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش در مرحله نهایی در الگوی پارادایمی به شرح زیر سازماندهی شد:

۱. متغیرهای علی
۲. متغیرهای زمینه‌ای
۳. متغیرهای مداخله‌گر
۴. پدیده یا مقوله محوری
۵. راهبردها
۶. پیامدها و نتایج.

نتایج این پژوهش حاکی از این است که با نزدیک کردن اهداف آموزش آکادمیک به معماری اجرایی از یک‌سو و بازشناسی ارزش‌های هویت‌ساز در نگاه ارزیابانه به مکان از سوی دیگر می‌توان به تلفیق درست قابلیت‌های پیدا و پنهان کالبد آموزشی در راستای تربیت معمار سرزمینی به‌عنوان مهم‌ترین پیامد این پژوهش ناقل گشت.

کلید واژه‌ها: آموزش معماری، معماری زمینه، نظریه داده‌بنیاد

^۱ مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تبیین مفهوم خاطره‌انگیزی با تأکید بر قابلیت زمینه در فضاهای آموزشی معماری (نمونه موردی: دانشکده هنر و معماری یزد)" می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان) در دست انجام است.

^۲ دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۳ عضو هیئت علمی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، ایران. نویسنده مسئول: Hayatollahi@yazd.ac.ir

^۴ عضو هیئت علمی، گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۵ عضو هیئت علمی، گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران

^۶ عضو هیئت علمی، گروه معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

مطالعات پژوهشی در زمینه توجه به مباحث کیفی در حوزه معماری و تحلیل آن‌ها نشان داده است که تاکنون این مباحث و به‌خصوص مباحث مربوط به حوزه علوم رفتاری و روان‌شناسی محیط که از دل طرح‌های بالادست و تفضیلی رشد کرده است، بر مبنای رویکرد پوزیتیویستی انجام شده و یا در حال انجام است. نتایج ارزیابی این طرح‌ها در مطالعات و پژوهش‌های مختلف نشان از عدم موفقیت برنامه‌ریزی‌های کاربردی و عدم تحقق و هماهنگی مابین کاربر و فعالیت انسان در این طرح‌ها دارد. در این پژوهش بر رویکرد "خاطره‌انگیزی" به‌عنوان یکی از مباحث مهم کیفی در حوزه معماری و تعامل آن با "مدارس آموزش معماری" به‌عنوان حوزه مهم فعالیتی - عملکردی مخاطب که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در نوع رفتار، فعالیت، سبک حرفه‌ای، تعاملات وی به‌شدت اثرگذار است، مکتب می‌شود. زندگی هر روزه انسان، گستره‌ای از ارتباطات^۱، تعاملات اجتماعی^۲ و فعالیت‌ها^۳ در قالبی از فضاهای ساخته شده^۴ است. فضاهایی سرشار از خاطره^۵ که در ذهن مخاطب خود، جایگاهی همیشه ماندگار^۶ و آشنا دارد؛ البته ناگفته نماند که این آشنا پنداری^۷، خود در بستری از تجربه^۸ و آموزش^۹ ماهیت بروز پیدا می‌کند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۵). روان‌شناسان محیطی بر این نظرند که می‌توان با بررسی رابطه بین کالبد فیزیکی^{۱۰} فضاهای معماری و شکل‌گیری خاطره در ذهن آدمی، معیارهایی را در جهت ایجاد کیفیات مطلوب در طراحی کاربردی و مفهومی‌تر ساختمان‌های امروزی به مدیران، برنامه‌ریزان، طراحان، دانشجویان معماری و شهرسازی ارائه نمود؛ چرا که نقش مهم و بسزای کالبد بناهای معماری در شکل‌گیری و ایجاد حس تعلق خاطر نسبت به یک مکان، غیرقابل انکار است. در این راستا، لازم است تا با ایجاد یا ارتقای حس تعلق، انسجام اجتماعی^{۱۱} و حس مکان به‌عنوان کارکردهای روان‌شناختی^{۱۲}، اجتماعی^{۱۳} و محیطی^{۱۴}، خاطره جمعی^۱ نیز مورد

¹ Communications

² Social Interactions

³ Activities

⁴ Spaces Made

⁵ Memory

⁶ Persistent

⁷ Familiar Concept

⁸ Experience

⁹ Education

¹⁰ Physical Body

¹¹ Social cohesion

¹² Psychological

¹³ Social

¹⁴ Environmental

توجه قرار گیرد (اهری، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد که عوامل مهم کالبدی چون سادگی^۲، تناسبات بصری^۳ و رمزگونی^۴ در خاطره‌انگیزی و دل بستگی به مکان دارای اهمیت بیشتری است که در این صورت، می‌تواند تأثیر زیادی در افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا داشته باشد (حبیبی، ۱۳۷۹). از آن‌جا که در طی دو دهه اخیر انتقادات زیادی نسبت به محتوا و رویه برنامه‌ریزی و تدوین مباحث کیفی در بستر طراحی معماری شنیده می‌شود، لذا در این پژوهش به منظور تبیین و تحلیل علل ارتباط مابین بحث "خاطره‌انگیزی" و "تأثیرات زمینه و بستر معماری در فضاهای آموزش معماری" از "نظریه داده‌بنیاد" استفاده می‌شود؛ این روش که با استفاده از استقراء و براساس داده‌های واقعی و کیفی به خلق و ایجاد نظریه می‌پردازد، یکی از روش‌هایی است که قادر است به مثابه پلی بین دو پارادایم گذشته و آینده نقش اساسی ایفا کند. "نظریه داده‌بنیاد" با شکستن قالب‌های محدود گذشته که غالباً به آزمون نظریه‌های مستفاد از قیاس اکتفا می‌کرد، خود به نظریه‌سازی می‌پردازد؛ حال آن‌که همین ویژگی موجب شده که "نظریه داده‌بنیاد" با مباحث کیفی معماری سنخیت بیشتری داشته باشد؛ زیرا تحمیل پیش‌فرض‌های محقق، بر مباحث کیفی معماری و تفسیر به رأی آن‌ها، برای انطباق با شرایط واقعی جامعه انسانی و سنجش میزان رضایت استفاده‌کننده از فضای معماری به‌شدت از سوی پژوهشگران نظریه کمی موردنکوهش واقع شده است. ازسوی دیگر مراحل انجام "نظریه داده‌بنیاد" از نحوه جمع‌آوری داده‌ها تا مراحل دسته‌بندی آن‌ها، تجزیه تحلیل نهایی و ارائه نظریه بی شباهت با فرایند رفتاری انسان در فضای معماری نیست.

خاطره

واژه خاطره در فرهنگ لغت آکسفورده^۵، به معنای "بخشی متشکل از ذخایر ذهنی و اطلاعات به یاد آورده شده است" این واژه در لغت‌نامه دهخدا، نیز "به اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد" معنا شده است. براین اساس، خاطره به یادآوردن وقایع و رویدادهای گذشته به‌وسیله فرد از طریق به یادآوردن اشیاء، مکان‌ها و تجربیات است. بررسی تعاریف

¹ Collective Memory

² Simplicity

³ Visual proportions

⁴ Mysterious

⁵ Oxford Dictionary

گوناگون نشان می‌دهد که یکی از جنبه‌های کلیدی در تعریف خاطره "رویداد"^۱ است؛ رویدادهای موردنظر در این تعریف، نه رویدادهای صرفاً "مکتوب در کتاب‌های تاریخی، بلکه رویدادهایی است که فرد خود آن‌ها را تجربه کرده است. بنابراین در تعریفی دقیق‌تر از خاطره می‌توان گفت: "خاطره، به یادآوردن وقایع و رویدادهای تجربه‌شده به وسیله فرد از طریق به یادآوردن افراد، اشیاء، مکان‌ها و تجربیات با استفاده از سازوکارهای تداعی معانی است." (حسنی میان‌رودی و همکاران، ۱۳۹۶). درواقع خاطره، به حال آوردن گذشته است و خیال به وجودآورنده خاطره جدید است و خیال زمانی شکل می‌گیرد که فضای آن جاری باشد. به زبان دیگر مکانی که ضخامت تاریخی در آن جاری است، به بازتولید خاطره‌ای جدید توسط صور خیالی اهالی مکان می‌پردازد (فدایی‌نژاد و کرم‌پور، ۱۳۸۵). انسان با حضور در مکانی که سایرین در آن حضور دارند، به تجربه‌هایی دست می‌یابد که او را با تمام انسان‌هایی که در گذشته یا آینده چنین فرایندی را تجربه می‌کنند، پیوند می‌دهد؛ در این مکان‌ها مردم به داشتن تجربه‌های مشترکی دست می‌یابند که تحت عنوان خاطرات جمعی نامیده می‌شوند.

خاطره جمعی

خاطره جمعی، خاطره‌ای است که درون یک گروه اجتماعی نوعی اشتراک ذهنی در پیوند با گذشته به وجود آورده و کمابیش خاص آن گروه است. در حالی که انباشت اطلاعات مکانی، از خلال مجموعه درهم و پیچیده‌ای از برداشت‌های حسی قابل‌تیین است، اما می‌توان شمار بزرگی از تصاویر، صداها، بوها، مزه‌ها، تجربه‌های بساوایی (لامسه‌ای)، تأثرها، غم‌ها و شادی‌ها، حسرت‌ها و غربت‌ها و..... را در مجموعه‌ای منسجم و مدون گردهم آورد. خاطره تاریخی بر بستر فضا حرکت می‌کند، به عبارت دیگر محور زمانی در رابطه‌ای پیوسته با محیط فضایی قرار می‌گیرد و به نوبه خود آن‌را تغییر داده و بر آن مینا، معناگذاری، نمادگذاری و نشانه‌گذاری می‌کند (همان، ۱۳۸۵). میان‌رودی و همکاران (۱۳۹۶) عوامل مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری خاطره جمعی را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کنند: مؤلفه زمانی، مؤلفه فضایی، مؤلفه اجتماعی - فرهنگی، مؤلفه ذهنی - ادراکی.

- مؤلفه زمانی: در توصیف مؤلفه زمانی، باید اذعان نمود که مرجع زمانی، زمینه اصلی شکل‌گیری خاطرات است؛ گذشت زمان و سیر تطور تاریخی عامل مهمی در به یادآوردن وقایع و رویدادهاست. از آن‌جا که خاطرات جمعی مانند حافظه تاریخی یک ملت از نسل‌های پیشین به

¹ Event

نسل های پسین منتقل می شوند، در نتیجه سابقه و زمان سکونت در یک مکان عامل مهم تقویت خاطرات جمعی است (لویکا^۱، ۲۰۰۸).

- مؤلفه فضایی: مکان با ساختار کالبدی، عملکردی و ارتباطات فضایی به عنوان مرجع فضایی شکل گیری خاطرات مکانی تلقی می شود؛ به طوری که آلدو راسی در تأیید این موضوع، ساختمان ها و المان ها را به عنوان یک نقطه مرجع در ذهن ساکنان تعریف می کند. هالبواکس نیز هر تغییر در سیمای کالبدی مکان را سرمنشأ تغییر جدی در تصویر ذهنی ساکنان دانسته و به تبع آن تغییر در حس خاطره جمعی را نتیجه می گیرد (حسنی میان رودی و همکاران، ۱۳۹۶).

- مؤلفه اجتماعی-فرهنگی: تعاملات اجتماعی و خاطرات جمعی در بستری که محل تعاملات اجتماعی است، به وقوع می پیوندد. برای شکل گیری خاطرات، علاوه بر بستر غنی کالبدی، به یک بستر اجتماعی- فرهنگی نیز نیاز است تا افراد با ارتباطات متنوع خود تعاملات جمعی را بسازند و بر این اساس موجب شکل گیری خاطرات جمعی گردند (حبیبی، ۱۳۷۹).

- مؤلفه ذهنی- ادراکی: از دیگر عوامل زمینه ساز در شکل گیری و اثرگذاری خاطره جمعی، تجربه ذهنی و فردی از جمله: شغل، تحصیلات و میزان ارتباط فرد با محیط و همچنین نحوه ادراک وی از محیط است. این عوامل که نقش مهمی در شکل گیری تصویر ذهنی فرد نسبت به محیط دارند، در ایجاد کیفیت دید و منظر و نحوه تعامل ذهنی مخاطبان در ادراک و شکل گیری حس خاطره جمعی به شدت مؤثرند (حسنی میان رودی و همکاران، ۱۳۹۶).

بازشناسی عوامل هویت ساز در مکان

تقویت هویت ملی با تجدید خاطره های جمعی میسر می گردد؛ خاطره هایی که با آن ها قصه مکان نوشته می شود. بنجامین^۲ (۱۹۸۹) معتقد است که با روایت سنت ها، معانی جمعی نمادین آگاهانه منتقل می شوند؛ به عقیده وی، تا زمانی که قصه گویی زنده بود، تجربه هنوز متکی بر سنت بود و با خاطره تاریخی ارتباط داشت. چرا که قصه گویی تجارب بامعنا را به خوبی انتقال می دهد و شرایطی برای مخاطب مهیا می کند تا از خاطره ای سخن گوید که با جمع، گذشته و سنت های جمعی اش پیوسته و عجین است (حبیبی، ۱۳۷۸). به عقیده الکساندر^۳ (۲۰۰۶)، هویت، زمانی در محیط تجلی می یابد که بین فرد و محیط ارتباط طبیعی و منطقی وجود داشته باشد. از دید وی، بدون شناخت عمیق

¹ Lewicka

² Benjamin

³ Alexandr

و تشخیص آن از سوی مخاطب، این ارتباط و حس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد. والتر بور^۱ (۱۹۹۷)، هویت را همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی می‌داند که بازشناسی و خوانایی یک مکان را باعث شده، حس دل‌بستگی به محیط، خاص بودن و خاطره‌انگیزی را می‌سازد. با این تفکر، ولف^۲ (۱۹۲۹) هویت در محیط را نتیجه ارتباطات متقابل سه جزء در داخل یک مجموعه قلمداد می‌کند: ۱. ترکیب ظاهری و کالبدی نماها (سمبل‌ها) در مکان ۲. عملکردها و فعالیت‌های قابل مشاهده در مکان ۳. مفاهیم، نمادها (سمبل‌ها) در مکان. (برزگر، ۱۳۸۳) جیکوبز نیز هویت را در رابطه با فعالیت‌ها و زندگی در بستر مکانی تعریف کرده و لذا هویت مکان را مقوله‌ای کالبدی می‌داند که از شکل کلی و فرم مکان نشأت گرفته است (لطیفی، ۱۳۹۴). با اتکاء به این مباحث، می‌توان اذعان داشت که فرهنگ و محیط در ترکیبی منطقی باهم هویت‌ساز زندگی انسانی هستند تا با ایجاد زمینه و بستری مناسب، روابط و تعاملات مابین انسان و محیط را ارتقاء داده و به این شکل برای مخاطب خود خاطرات مکانی ماندگار و متنوع خلق کند. مکان با هویت، بستری با مناظر و پتانسیل‌های زیباست که قادر است با ارتقاء تعاملات انسانی، برای کاربران خود خاطره‌جمعی بسازد. پس براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که مکان بدون خاطره، فاقد هویت است (همان، ۱۳۹۴)؛ از طرف دیگر هویت یک مکان که در سبک و نحوه زندگی مخاطبانش جریان دارد، آن را به واسطه عوامل متعددی از سایر مکان‌ها متمایز می‌کند. بر همین اساس نقی‌پور (۱۳۸۶)، مؤلفه‌های هویت در بستر مکانی را در دو گروه اصلی دسته‌بندی کرده است:

- گروه اول: شکل (ظاهر، پیدا، کالبد، عین) که شامل موضوعاتی هم‌چون اندازه مکان، تمیزی، آلودگی، تعداد کاربر، میزان تردد، نوع عملکرد غالب و... است.
- گروه دوم: محتوا (باطن، پنهان، معنا، ذهن) که شامل موضوعاتی هم‌چون نمادها، معنا، تاریخ، فرهنگ مردم، عملکردهای پیدا و پنهان در مکان، رفتار فضایی، زیبایی و... است (نقی‌پور، ۱۳۸۶).

در یک دسته‌بندی کلی‌تر، بهزادفر (۱۳۸۶)، متغیرهای این مؤلفه‌ها را به شکل زیر رده‌بندی نموده است:

- مؤلفه‌های طبیعی: کوه، تپه، رود، دشت و.....

¹ Walter Bor

² Adeline Virginia Woolf

- مؤلفه‌های مصنوع: تک بناها، محله، راه و مسیر، گذرگاه ارتباطی، میدان و.....
- مؤلفه‌های انسانی: فرهنگ، زبان، مذهب، آداب و رسوم، بوم، سواد و.....

(بهزادفر، ۱۳۸۶، ص ۵۶-۵۴)

لطیفی و همکاران (۱۳۹۴) بر این باورند که هویت در یک بستر مکانی، زمانی معنادار خواهد بود که بتواند در فیزیک و کالبد مکان، تبلور عینی داشته باشد. بر این اساس جنبه‌های متنوع هویت مکان را در سه گروه دسته‌بندی می‌شود:

۱. هویت کالبدی-فضایی: بافت کالبدی و ساختاری مکان، یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی مکان است، زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ کاربران است. لذا شناخت این بخش از بافت، می‌تواند به شناخت بهتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بینجامد. از دید نوفل (۲۰۰۹)، بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت مکانی را به صورت بصری فراهم کرده و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد. لذا شناخت رابطه عمیق توأم با درک منطق که با استفاده از ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی، نشانه‌شناختی و ادراکی قابل تشخیص است، به همگرایی هویت اجتماعی و فضایی در مکان منجر می‌شود (لطیفی، ۱۳۹۴). این ویژگی‌ها عبارتند از:

- سکونت و اقامت متناوب نسل‌ها در بستر مکانی و احساس ناخوشایند از ترک آن.
- خویشاوندی، تعلقات قومی، قرابت‌های فرهنگی، طبقاتی و صنفی، فرهنگ محلی، بازی

و سرگرمی محلی

- روابط همسایگی و صمیمانه چهره‌به‌چهره در مکان
 - برگزاری آیین‌ها و مراسم اجتماعی و مذهبی در مکان
 - تناسب و مشابهت انگیزه‌های رفتاری و سازگاری رفتاری فضایی در مکان
 - پوشش مشابه و تقلید از یک مد خاص در مکان
 - ایده مشابه برای بهسازی مکان و تعصب برای حفظ و عدم تغییر فضاهای جمعی
 - احساس امنیت، آرامش، خودمانی‌بودن و استفاده فراغتی از مکان
 - وجود یک محور توجه، فضای خاطره‌پرور و محور تجمع در بستر مکانی (مظفری، ۱۳۹۲)
۲. هویت بصری: این نوع از هویت، ارزش‌های زیبایی‌شناختی در مکان، کیفیت فضایی، امکان ادراک، موقعیت و جهت‌یابی را شامل می‌شود (لطیفی، ۱۳۹۴)؛ به‌عنوان مثال وقتی فرد به

مکان وارد شده و بعد از رؤیت بخش‌های مختلف آن، می‌تواند به‌خوبی آن مکان را توصیف کند، به این معناست که دیاگرام مکان در ذهن وی باقی مانده است؛ لذا این موضوع، از مکان با هویت بصری سخن خواهد گفت.

۳. هویت شناختی: این نوع از هویت، ویژگی‌های کیفی و کمی مکان، نمادها و نشانه‌های مکان، ارزش‌های تاریخی و فرهنگی را در بر می‌گیرد (مظفری، ۱۳۹۲). لذا خوانایی و وضوح عناصر هویت‌بخش در ساعات مختلف شبانه‌روز در مفهوم‌بخشی، جاودانه‌شدن، بی‌زمانی مکان و حفظ هویت در تمام زمان‌ها مؤثر است.

آغاز به کار "معماری زمینه‌محور"^۱ در عرصه فضایی دانشگاهی

غروی‌الخوانساری (۱۳۷۸) در پژوهش خود از "ارزیابی کیفی مجموعه‌های دانشگاهی پردیس" سابقه مکان‌یابی سایت‌های دانشگاهی متکی بر بستر و محیط پیرامون را در دوران پس از جنگ جهانی دوم و خصوصاً در امریکا ردیابی کرده است؛ هرچند در ابتدا این موضوع در ساخت سایت‌های وسیع دانشگاهی و ساختمان‌های جدا از هم در درون این سایت دیده می‌شد، اما به تدریج در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت آموزشی توجه به توسعه‌پذیری سایت هدف اصلی قرار گرفت (غروی‌الخوانساری، ۱۳۷۸: ۷۷). "نظریه رشد ارگانیک و هدایت‌شده"^۲ برای سایت‌های دانشگاهی اولین بارتوسط جوزف هادنات^۳ در اواخر دهه ۱۹۵۰ مطرح شد؛ درحالی‌که وی اصول مهم این نظریه را در مباحثی هم‌چون: "انعطاف‌پذیری"، "آزادی" و "استقلال" بناها معرفی کرده بود (ترنر^۴، ۱۹۸۷)، در جامعه دانشگاهی زمزمه‌هایی در رابطه با کمبود فضاهای آموزشی شنیده می‌شد. این موضوع باعث شد که گرایش به ساخت و ساز در زمین‌های سبز و کم‌تراکم اطراف شهر که بعضاً "متأثر از ایده "باغ‌شهر هاوارد"^۵ بود، اتفاق بیفتد. هرچند ریچارد راب^۶ (۱۹۶۳) نیز در کتاب خود با عنوان "طراحی فضاهای دانشگاهی" بر مفهوم "انعطاف‌پذیری" بر این وادی تأکید کرده بود، اما جفرسون^۷ (۱۸۲۰) معتقد بود که هدف اصلی از ایجاد بسترهای این‌چنینی ایجاد یک محیط خانوادگی است (داب^۷، ۲۰۰۰).

¹ Cotextual Architecture

² Organic and Guided Growth Theory

³ Josff Hudnut

⁴ Turner

⁵ Harvard City Gardan

⁶ Richard Dober

⁷ Thomas Jefferson

توماس چرچ^۱ (۱۹۶۰) با مطرح کردن آموزه "فضای محیط اطراف مهم‌تر از ساختمان‌هاست و معمار باید محیط را کامل‌تر کند"، از جمله معمارانی بود که مبلغ این ایده در طراحی فضاهای دانشگاهی شد. مور و ترن بال^۲ (۱۹۷۰) نیز با این اعتقاد که دانشگاه یک محله است، مفهوم طرح درهم فشرده را مبنای کار خود قرار دادند (فرانکلین^۳، ۲۰۰۳). در دهه ۱۹۷۰ میلادی با ظهور اتومبیل درزندگی بشر و نیاز به مسیرهای دسترسی سواره شباهت سایت‌های دانشگاهی و شهر کاملاً^۴ به چشم می‌خورد (غروی‌الخوانساری، ۱۳۸۴)؛ همین اتفاق باعث شد که دانشگاه علاوه بر ملاحظات عملکردی برای پویایی و سرزندگی خود به "مراودات اجتماعی" که ریشه در سازوکار دموکراسی داشت، نیازمند شود؛ بنابراین در نتیجه توسعه این مراودات بود که دانشجو برای حضور فعال و پرنشاط در جامعه آموزش و پرورش می‌دید. درنهایت توجه به موضوعات این چنینی باعث شد تا تلنگر لازم برای شکل‌گیری اولین ایده‌های دانشگاه هم‌چون یک شهر زده شود و "نظریه دهکده آموزشی"^۴ جفرسون بار دیگر حیات یابد (اخوت، ۱۳۸۲).

الکساندر (۱۹۷۵) در بیانیه خود اظهار داشت که بخش عمده طراحی "فرم" است؛ پس مشکل اصلی طراحی درچگونگی هماهنگ‌ساختن فرم با "زمینه" قابل ردیابی است؛ وی با ارائه یک مثال عملی باعنوان "تجربه طراحی پلان دانشگاه اوریگان" این نظم را واجد نهادی ارگانیک معرفی کرد و آنرا رویدادی طبیعی خواند که وقوعش به برقراری توازن کامل بین نیازهای اجزای منفرد و نیازهای کل مشروط گردیده است (الکساندر، ۲۰۰۴)؛ گذشته از این موضوع وی در این تجربه عملی خود بر این ایده که می‌توان از طریق ساخت دانشگاه بر روند طراحی به‌عنوان بخش طبیعی زندگی جوانان نگاهی ویژه داشت، پافشاری کرد و حتی در گامی فراتر برگسترش شبکه یادگیری برای تمام افراد جامعه تأکید نمود. درنهایت وی با یک جمع‌بندی مدون براصل "رشد تدریجی" به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در طراحی دانشگاه که آنرا مجموعه‌ای اندام‌واره تلقی می‌کند، تأکید کرد (مه‌اجری و قمی، ۱۳۸۷) (تصویر شماره ۱ و ۲).

¹ Thomas Church

² Moore & Turnbull

³ Franklin

⁴ Educational Village Theory



تصویر شماره ۱- دانشگاه اوریگون. مأخذ: mehrnews.ir
تصویر شماره ۲- دانشگاه اوریگون. مأخذ: varchgroup.com

در کالج‌های قدیمی‌تر سوربون پاریس که ترکیبی متشکل از نواحی قدیمی در کنار هم گرد آمده‌اند، دانشگاه‌ها به جای کالبد ساختمانی چهارگوش و دروازه‌های ورودی از ساختمان‌های شهری تشکیل شده‌اند و در کنار هم خیابان‌های باریکی را ساخته‌اند؛ این خیابان‌های شهری زمینه‌ای برای "رویارویی اجتماعی"، "اعتراضات سیاسی" و "مکانی برای لذت بردن" قلمداد می‌شدند (همان، ۲۰۰۴)؛ "دانشگاه لندن" از جمله دانشگاه‌هایی است که در پیرامون یک خیابان و در ارتباط با یک میدان شهری ساخته شده است؛ هرچند این دانشگاه که در ارتباط با خیابان و "دانشگاه هاروارد" مکان‌یابی شده و از الگویی مرتبط با گذرهای عابر پیاده پیروی کرده است، اما در معرفی نمونه قابل‌توجه و شاخص در این زمینه باید به دانشگاه هاروارد^۱ اشاره کرد (ترنر، ۱۹۸۷)؛ در طراحی این دانشگاه که قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا در شهر کمبریج و ایالت ماساچوست در ایالات متحده آمریکا است، حیاط به‌مثابه یک نهاد مجزا در بین ساختمان‌های دانشگاه سازماندهی شده است. این درحالی که است که بسیاری از فضاهای دیگر این دانشگاه مثل کلاس‌ها، کالج‌های سخنرانی،

¹ Harvard University

آزمایشگاه و آمفی تئاتر در طول خیابان های شهر پراکنده اند. اگرچه فضای این مجموعه دانشگاهی مملو از ساختمان های قدیمی بسیارزیا است، اما باکمک جاذبه های طبیعی متمایز من جمله رودخانه چارلز که اتفاقاً^۱ از میان یکی از دانشکده های آن هم می گذرد، جلوه خاص و منحصر به فردی پیدا کرده است (تصویر شماره ۳ و ۴).



تصویر شماره ۳- دانشگاه هاروارد. مأخذ: www.mojnews.com

تصویر شماره ۴- دانشگاه هاروارد. مأخذ: www.iribnews.com

توماس جفرسون از بنا نهادن دانشگاه ویرجینیا در سال ۱۸۱۹ میلادی به عنوان مهم ترین و موفق ترین دستاورد خود یاد کرده است؛ این دانشگاه که امروزه از سوی یونسکو به عنوان میراث جهانی یاد می شود، مملو از ساختمان هایی با "معماری جفرسونی"^۲ است (همان، ۱۹۸۷)؛ یکی از مهم ترین مشخصه های این نوع معماری چمنزاری است که هم اکنون به عنوان محلی برای فعالیت های گلخانه ای تبدیل شده است. علاوه بر این ساختمان دانشگاه توسط فضای سبز احاطه شده است و هریک از ساختمان های دانشکده نیز به طور اختصاصی به باغ های بسیار زیبا چشم انداز دارند. ساختمان روتاندا^۳ که در مرکز دانشگاه قرار گرفته است، با الهام از معماری معبد پارتنون روم ایتالیا ساخته شده است و

¹ University of Virginia

² Jeffersonian Architecture

³ La Rotonda

بنا به گفته جفرسون سمبل "قدرت طبیعت" و "تدبیر عقل" است (فرانکلین، ۲۰۰۳). ساختمان‌های معروف سبک معماری پالادیان^۱ نیز یکی دیگر از بناهای شاخص این دانشگاه است که در ساخت آن تأثیرپذیری از معبد رومی پانتئون به‌وضوح دیده می‌شود (تصویر شماره ۵). اگرچه بسیاری از ساختمان‌های این دانشگاه با محوریت الگوپذیری از معماری تاریخی بنا شده‌اند، اما ساختمان کوهپایه‌ای و زیبای این دانشگاه باعث شده که بنای زیبای دانشکده‌های آن با نام‌هایی نظیر "کوه" یا "دامنه" یاد شود (بانی‌مسعود، ۱۳۹۴). پس از طی چندین سال در ایالت تنسی^۲ آمریکا ساختمان دانشگاه سوانی^۳ با الهام از تفکرات شاخص و ایده‌های مطرح در دانشگاه ویرجینیا ساخته شد (دابر، ۲۰۰۰)؛ در این مجموعه دانشگاهی نیز علاوه بر توجه به معماری بستر پیرامون و احترام به "طبیعت" تأثیرپذیری از معماری قرون وسطی کاملاً^۴ مشهود است. (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۵- دانشگاه ویرجینیا. مأخذ: fa.wikipedia.org

تصویر شماره ۶- دانشگاه سوانی در ایالت تنسی آمریکا. مأخذ: ezapply.ir

دانشگاه کنیون^۴ در ایالت گمبیر اوهاйо^۵ آمریکا که در اوایل سال ۱۸۲۴ میلادی بنا شده است، در اصل به عنوان قدیمی‌ترین دانشگاه در ایالت اوهاйо شناخته می‌شود. در سراسر این مجموعه دانشگاهی

^۱ Palladian Architecture Style

^۲ Tennessee State

^۳ Svani University

^۴ University of Canyon

^۵ State of gambier ohio

دانشکده معماری به علت بهره‌مندی از فضای بسیار دنج و خوش‌منظره طبیعی، سبک معماری فوق‌العاده و پتانسیل استفاده از منظره‌ای چشم‌نواز شاخص و قابل‌تمثیل است (همان، ۲۰۰۰). وجود ساختمان‌هایی با معماری قرون وسطی از یک‌سو و وجود یک مسیر پیاده‌رو موسوم به میان‌گذر از سوی دیگر که از میان جنگلی سرسبز می‌گذرد و بیننده را به سمت ساختمان اصلی دانشکده هدایت می‌کند، توجه هر رهگذری را به خود متمایل می‌سازد (تصویر شماره ۷). از نمونه‌های دیگر قابل‌تأمل در ترکیب معماری و بسترطراحی می‌توان به دانشگاه استنفورد^۲ در ایالت کالیفرنیا اشاره کرد (بانی مسعود و سیداحمدیان، ۱۳۹۴)؛ این دانشگاه که یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های ایالات متحده است، سرشار از چمنزارهای پراکنده، مسیرهای ماشین‌رو و باغ‌های زیبایی است که توسط فردریک لائو اولمستد^۳ که پیش از این پارک مرکزی نیویورک را طراحی و اجرا نموده بود، طرح‌ریزی شده است (تصویر شماره ۸).



تصویر شماره ۷- دانشگاه کنیون در ایالت امریکا. مأخذ: iribnews.com

تصویر شماره ۸- دانشگاه استنفورد در ایالت کالیفرنیا. مأخذ: ezapply.ir

دانشگاه تسینگوا^۴ که در باغ سلطنتی پادشاه دینستی^۵ ساخته شده است، هنوز هم با فضاهای سنتی چینی مثل مرداب‌های پوشیده از شکوفه‌ها و ساختمان‌های تاریخی آذین شده است (تصویر شماره ۹). در دانشگاه کمبریج انگلستان نیز که بهترین بلکه زیباترین دانشگاه دنیا نام گرفته است، هرکدام از

¹ Middle path

² Stanford University

³ Law Olmsted *Frederick*.

⁴ Tsingua University

⁵ Dynasty

کالچها با سبک معماری منحصر به فردی طراحی شده‌اند (ترنر، ۱۹۸۷). از ویژگی‌های "معماری زمینه‌گرا" در این دانشگاه رودخانه‌ای است که از بستر مجاور آن می‌گذرد و این مجموعه را بسیار رویایی و خاص ساخته است (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره ۹- دانشگاه تسینگوا، چین. مأخذ: ezapply.ir

تصویر شماره ۱۰- دانشگاه کمبریج، انگلیس. مأخذ: fawikipedia.org

از دیگر نمونه‌های قابل تأمل در این زمینه می‌توان به دانشگاه آکسفورد^۱ در انگلستان اشاره کرد. شهرت این دانشگاه که دومین دانشگاه با سابقه و قدیمی دنیا است، بیش از هر چیز مدیون ترکیب موفق و همه‌جانبه از "سنت" و "تاریخ" است. دانشگاه آکسفورد که از سبک‌های معماری منحصر به -فردی چون "ساکسون" و "پالادیان" برخوردار است، از راهروهایی با طاق‌های قوسی شکل زیبا و ماریج ساخته شده است که جلوه زیبا و گیرایی خاصی به این مجموعه بخشیده است (فرانکلین، ۲۰۰۳). (تصویر شماره ۱۱ و ۱۲).

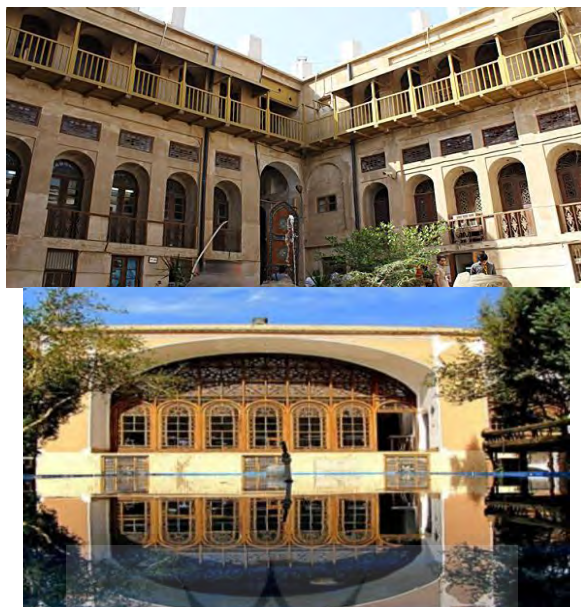
¹ University of Oxford



تصویر شماره ۱۱- دانشگاه آکسفورد. مأخذ: fa.wikipedia.org

تصویر شماره ۱۲- دانشگاه آکسفورد. مأخذ: varchgroup.com

از نمونه‌های قابل تأمل در این زمینه در داخل کشور می‌توان به استقرار دانشکده‌های معماری و شهرسازی در شهرهای اصفهان، یزد، تبریز و بوشهر در بافت‌های باارزش قدیمی (تصویر شماره ۱۳ و ۱۴) اشاره کرد؛ توجه به این موضوع نشان می‌دهد که با گذشت زمان دانشگاه قادر است هم‌چون گذشته موقعیت و جایگاه "فرهنگی- آموزشی" خود را در بافت شهر کسب کند و با تبدیل شدن به قلب تپنده و کانون "اجتماعی- علمی" در موقعیت خاص مکانی تحرک و پویایی پیکر شهر را میزبان خود سازد. میروکیلی (۱۳۸۶) در پژوهش خود مدرسه هنر و معماری یزد را مورد کنکاش قرار داد و در نهایت موفق شد تا با شناخت و بررسی "الگوی محله" الگویی جدید برای سازمان‌دهی "فضاهای مدرسه هنر و معماری" خلق کند و با این پیش‌فرض در جهت تحقق انگاره "طراحی مدرسه - محله هنر و معماری" گام مؤثری بردارد (نقصان محمدی و میروکیلی، ۱۳۹۱). البته لازم به ذکر است که در پژوهش وی تبیین کامل و راهکارهای اجرای این امر مهم نادیده انگاشته شده است.



تصویر شماره ۱۳- دانشکده هنر و معماری یزد (خانه رسولیان). مأخذ: yjc.ir

تصویر شماره ۱۴- دانشکده معماری و شهرسازی بوشهر. مأخذ: yjc.i

روش تحقیق

در بین انواع متفاوت روش پژوهش کیفی "نظریه داده‌بنیاد" برای این پژوهش انتخاب شده است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند به‌مثابه پلی بین دو پارادایم گذشته و آینده، نقش مؤثری داشته باشد، روش "نظریه‌پردازی داده‌بنیاد" است؛ روشی که با استفاده از استقراء و براساس داده‌های واقعی و کیفی و با شکستن قالب‌های محدود و محصور گذشته که غالباً به آزمون نظریه‌های مستفاد از قیاس اکتفا می‌کرد، به خلق و ایجاد نظریه می‌پردازد (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰).

"کرسول"^۱ (۲۰۰۵)، نظریه حاصل از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را یک نظریه فرایندی می‌داند؛ در این‌جا پژوهشگر به خلق فهمی از یک فرایند نائل می‌گردد که به یک موضوع خرد و البته واقعی مربوط است. "استراوس و کوربین"^۲ (۱۹۹۸) و "کرسول"^۳ (۲۰۰۵)، فرایند را در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، زنجیره‌ای از کنش‌ها و برهم‌کنش‌های بین افراد و وقایع مربوط به یک موضوع ارزیابی می‌کنند. درواقع، کشف یا تدوین نظریه بر مبنای واقعیات موجود و از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها صورت می‌گیرد (استراوس و کوربین^۳، ۱۹۹۸). داده‌های جمع‌آوری شده، در سیر تکاملی خود تا رسیدن به

¹ Creswell

² Struss & Corbin

³ Struss & Corbin

نظریه، مراحل را طی می کنند: "مقوله سازی"، "مفهوم سازی"، "مؤلفه سازی"، "بعدسازی"، "تدوین نظریه". (فراستخواه، ۱۳۹۵)



نمودار شماره ۱. مدل فرایند نظریه داده بنیاد. مأخذ: نگارندگان براساس یافته های حاصل از پژوهش - های استراوس (۱۹۹۰)، منصوریان (۱۳۸۶)

در مجموع می توان برای روند انجام پژوهش، ۴ گام را برشمرد:

۱. تعیین موضوع: اولین گام در نظریه داده بنیاد، تعیین موضوع است (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰).
 ۲. جمع آوری داده ها: در نظریه داده بنیاد، تحقیق با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی شود، بلکه روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع شده و به تدریج موارد مرتبط پدیدار می گردد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).
 ۳. تجزیه تحلیل داده ها: تجزیه تحلیل داده ها، فرایندی چندمرحله ای است که طی آن، داده ها از طریق به کارگیری ابزارهای جمع آوری در مرحله پیشین، خلاصه بندی، دسته بندی و در نهایت پردازش می شوند (سالدانیا، ۱۳۹۵؛ چارمز (۲۰۰۱)، کدگذاری را پیوند حساس میان گردآوری اطلاعات و افاده معنا توسط آن ها می داند. نخستین گام در هر تجزیه تحلیل، دسته بندی داده - هاست. پس هدف از اولین تحلیل هایی که بر روی داده ها صورت می گیرد، تولید کدهایی است که مستقیماً با داده ها در ارتباط هستند (بوم، ۱۹۹۷). لذا پس از استخراج مفاهیم، کدها که برای تکوین منسجم، منظم و مشروح نظریه به کار می روند، در سه گروه طبقه بندی می شوند: "کدگذاری باز"^۳، "کدگذاری محوری"^۴، "کدگذاری انتخابی"^۵. (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).
- در این مرحله، "نظریه پرداز داده بنیاد"، یک مقوله از مرحله کدگذاری باز را انتخاب می نماید؛ در مرحله نخست، آن را به عنوان "پدیده محوری"^۶ در مرکز فرایند پژوهشی که در حال بررسی آن است، قرار می دهد و در مرحله بعد، دیگر مقوله ها را به آن مرتبط می سازد. این مقوله ها عبارتند از: "شرایط علی"^۷، "شرایط زمینه ای"^۸، "شرایط مداخله گر"^۹، "راهبردها"^{۱۰} و "پیامدها"^{۱۱}

¹ Saldana

² Bohm

³ Open Coding

⁴ Axial Coding

⁵ Selective Coding

⁶ Core Category or Phenomenon

⁷ Causal Conditions

⁸ Context Conditions

⁹ Intervening Conditions

¹⁰ Strategies

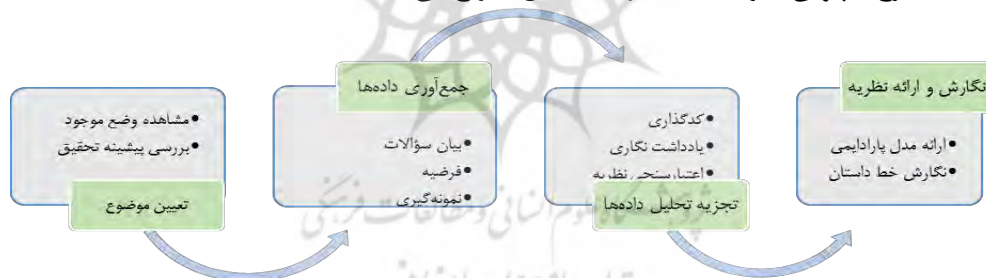
¹¹ Consequences

کرسول (۲۰۰۵، ۱). الگوی کدگذاری که مشتمل بر ترسیم نمودار است، روابط فی مابین این مقوله‌ها را آشکار می‌سازد. (نمودار شماره ۲)



نمودار ۲. الگوی کدگذاری محوری براساس یافته‌های حاصل از نمودار کدگذاری نظریه داده‌بنیاد کرسول (۲۰۰۵)

۴. نگارش و ارائه نظریه: این مرحله که مرحله تلفیق و هماهنگ‌سازی رشته‌های مفهومی بین مقولات می‌باشد، با شناسایی مقوله محوری که بتواند مقولات اصلی و فرعی دیگر را در خود از نظر مفهومی جمع و با آن‌ها رابطه برقرار نماید به‌دست می‌آید (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰). نمودار شماره ۳ طرح مفهومی نظریه داده‌بنیاد را به تفصیل تشریح می‌کند:



نمودار ۳. مراحل اجرای نظریه داده‌بنیاد به لحاظ کاربردی

از آن‌جا که داده‌ها، مهم‌ترین عرصه در فرایند پژوهش براساس "نظریه داده بنیاد" تلقی می‌شوند، نمونه‌گیری از جامعه آماری پژوهش براساس روش نمونه‌گیری هدفمند یا غیراحتمالی انجام شد و از بین راهبردهای نمونه‌گیری هدفمند تشریح‌شده براساس یافته‌های "گال"^۲ (۲۰۰۶) و "تدلی"^۳ (۲۰۰۹)، راهبرد "کلوله برفی"^۴ برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شد. نمونه‌های منتخب،

^۱ Creswell

^۲ Gall

^۳ Teddlie

^۴ Snowball/Chain/Network Sampling

گزینشی از فعال ترین و مشتاق ترین معماران فارغ التحصیل از دانشکده معماری یزد در عرصه آموزشی و عملکردی و نیز ترکیبی از گروه های درگیر در فرایند خلق ایده های نو در حوزه آموزش معماری را شامل شود. فرایند پژوهش با پنج فرد صاحب نظر در حوزه مباحث اصلی پژوهش آغاز شد. در طی فرایند مصاحبه با نمونه ها، این سؤال مطرح شد که مصاحبه شونده، چه افراد دیگری را برای ورود به این حوزه پژوهش و حصول به نتیجه بی طرفانه واجد شرایط می داند. به این شکل دیگر افراد مشارکت کننده در پژوهش انتخاب شدند. تعداد نمونه مورد مصاحبه براساس اصل اشباع در حجم نمونه در نظر گرفته شد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). بر طبق این اصل، زمانی که پژوهشگر به نتیجه برسد که انجام مصاحبه های بیشتر، اطلاعات بیشتری در اختیار وی قرار ندهد و صرفاً تکرار اطلاعات پیشین است، گردآوری اطلاعات را متوقف می سازد. نظرات افراد مشارکت کننده در مصاحبه ها، از مصاحبه هفدهم به بعد به اشباع رسید، با این حال فرایند مصاحبه با نفر بیستم پایان یافت. مصاحبه ها به صورت الکترونیکی ضبط شده و بعد از اتمام مصاحبه از روی فایل صوتی پیاده شد و در نهایت به منظور آماده سازی داده ها برای کار با نرم افزار تخصصی Atlas.ti ابتدا در قالب فایل Word و سپس فایل Rft مدون شد.

یافته ها

به منظور افزایش دقت و تحلیل دقیق تر یافته های پژوهش، پژوهشگر فرایند کدگذاری داده ها را از دو مسیر مجزا، اما به موازات هم؛ کدگذاری دستی و کدگذاری نرم افزاری انجام داد و در نهایت نتایج حاصل از دو مرحله را ترکیب و تبیین نمود تا بتواند مدل نموداری تدوین نظریه در "نظریه داده بنیاد" را ترسیم کند (نمودار شماره ۴ و شماره ۵).



نمودار ۴. مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی



نمودار ۵. تدوین و ارائه نمودار " شناسایی پارامترهای مؤثر بر خاطره‌انگیزی در فضاهای آموزش معماری " با استفاده از " نظریه داده بنیاد "

در این مرحله از پژوهش با محوریت مبانی نظری، فرایند کدگذاری و به‌خصوص یادداشت‌نگاری در روند پژوهش داده‌های حاصل از نمودار شماره ۵ را در دسته بندی زیر جای گرفت:

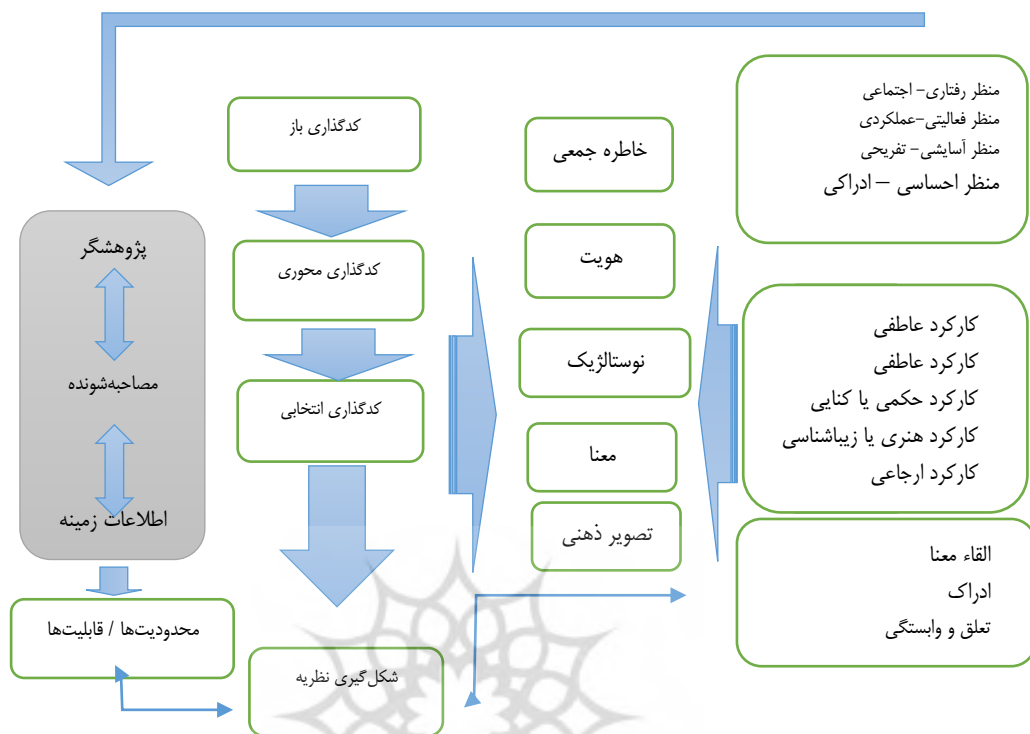
- منظر رفتاری - اجتماعی: در معماری سنتی ایرانی به‌وسیله چند راهکار از جمله ایجاد سلسله مراتب در عرصه‌های مختلف فضایی، انعطاف‌پذیری در کنترل محریمیت جمعی و فردی، تنوع

کاربری و رفتاری و احساسی، تناسبات کالبدی برپایه عملکرد، تضاد منطقی میان کالبد و گذرزمان، المان‌های مذهبی اجتماعی، درون‌گرایی و از همه مهم‌تر وجود بهانه‌سازهای اجتماع-پذیری می‌توان به حک خاطره جمعی در ذهن مخاطب و در نتیجه خاص و منحصر به فرد بودن آن دست یافت.

• منظر فعالیتی-عملکردی: توجه به فعالیت و عملکرد هر مکان و قابلیت آن برای پوشش عملکردی جدید از ویژگی‌های مهم و قابل تأمل در هر فضای آموزشی است. این موضوع در مدارس آموزش معماری به دلیل ماهیت خاص و منحصر به فرد رشته از یکسو و نوع متفاوت آموزش نظری و عملی از سوی دیگر ضرورت دوچندان می‌یابد. نتایج حاصل از گفته‌های مشارکت کنندگان این پژوهش نشان داد که در ارزیابی کیفی فضاهای آموزشی باید بر دو عامل مهم تنوع فضایی و اندازه فضا و عوامل زیرمجموعه‌ای چون: سیرکولاسیون و دسترسی، خوانایی و قابل فهم بودن مکان، تعیین حدود فضایی متمرکز شد.

• منظر آسایشی-تفریحی: یکی از مباحث مهم و اساسی در این منظر، بحث "امنیت" و "آسایش" جسم و روان است. امنیت جسمانی و روانی تحت شرایطی چون حذف نگاه‌های ناخواسته، وجود فضای دنج و خودساخته، دسترسی‌های غیرمستقیم به حریم میدان، تأکید بر مرزبندی و عرصه‌بندی میدان و قابلیت تنظیم میزان محصوریت فضا ایجاد شده است. این پارامتر مهم کالبدی زمینه‌ساز آزادی فردی، استقلال فردی، برقراری تعاملات اجتماعی سالم و درنهایت تطبیق میزان محرمیت میدان با نیاز خاص مخاطب در عین کاربری جمعی است. نتایج حاصل از فرایند کدگذاری حاکی از این است که این توانمندی فضایی به راحتی قادر است امکان آرامش‌پذیری را برای مخاطب خود فراهم آورد.

• منظر احساسی-ادراکی: امکان تصویرسازی ذهنی از میدان که با تأکید بر عناصر خاطره‌ساز، عوامل ذهن آشنا، تجلی عناصر زنده و توجه به انعطاف‌پذیری میدان محقق شده است، موجب پای‌بندی احساسی، خوانایی، احساس همذات‌پنداری با فضا و درنهایت مانایی میدان در ذهن مخاطب شده است. یافته‌های این پژوهش به درستی پژوهشگر را به سمت واژه "تصویر ذهنی" که برای نخستین بار توسط لینچ (۱۹۷۲) خلق شد، رهنمون می‌سازد.



نمودار مدل هماهنگ‌سازی نظری در ارزیابی روند و نتایج پژوهش از عوامل کیفی در فضای آموزشی

بحث و نتیجه‌گیری

در مقایسه یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های دیگر، اولین تفاوت مهم در عدم تعریف ساختار از پیش تعیین شده و طبقه‌بندی شده از عوامل کیفی مؤثر در فرایند خاطره‌انگیزی در مدارس آموزش معماری برمبنای "نظریه داده‌بنیاد" ردیابی می‌شود. "نظریه داده‌بنیاد" که بر ضرورت ورود به عرصه زندگی حقیقی با هدف دستیابی و کشف آنچه به‌واقع در جریان است، تأکید دارد، در این پژوهش پیچیدگی و تنوع‌پذیری پدیده‌ها و فعالیت‌های انسانی را نتیجه می‌گیرد تا انسان‌ها بتوانند در پاسخ به موقعیت‌های چالش‌آور نهفته و آشکار در زمینه و بستر پیرامون برحسب نوع کاربری مجموعه نقش فعال به خود بگیرند. این نظریه علاوه بر این که بر روی ماهیت متحول و بازشونده حوادث و اتفاقات در مکان حساس می‌شود، نسبت به مناسبات متقابل و تعاملی مابین شرایط زمینه، فرآیندها و فعالیت‌های جاری در مکان، از همه مهم‌تر پیامدها و نتایج حاصل از این تعامل مکاشفه و کسب اطلاعات می‌کند. "خاطره‌انگیزی" پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی و در عین حال متشکل از

افراد انسانی، محیط و بستر معماری و رویدادهاست، بنابراین با بهره‌گیری از دستاوردهای "نظریه داده‌بنیاد" نتایج عمیق‌تر، کامل‌تر و متفاوت‌تری از دیگر پژوهش‌های پیشین در این حوزه حاصل می‌شود. تفاوت مهم دیگر این پژوهش به نحوه تحلیل داده‌ها، ماهیت سازماندهی و چگونگی جمع‌بندی آن‌ها برمی‌گردد؛ مهم‌ترین مزیت تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تعریف مقوله‌ها یا همان علل اصلی پژوهش بر مبنای داده‌های خام و به‌دست‌آمده از مخاطب از یک‌سو و استفاده از روش "مقایسه" بین داده‌ها با هدف طبقه‌بندی و دسته‌بندی آن‌هاست. پس از اعمال نظر شخصی پژوهشگر جلوگیری شده و نظریه نهایی زاینده از دل داده‌هاست.

علاوه‌براین روابط بین مقوله‌های عمده، شرایط زمینه‌ای و شرایط علی برای نخستین بار در این پژوهش موردشناسایی قرار گرفته است؛ بنابراین این پژوهش در تعیین سهم هر کدام از این عوامل جهت اولویت‌بندی راهکارهای اصلاحی راهنمای مناسب و مطمئنی را ارائه می‌دهد؛ از جمله این موارد می‌توان به سازماندهی عوامل زمینه‌ساز در تعیین وجوه مشخصه و متمایز مکان در روند خلق فرصت‌های رفتاری جدید، تلفیق درست و استفاده به‌جا از قابلیت‌های پیدا و پنهان کالبد آموزشی در راستای تربیت معمار سرزمینی از یک‌سو و سازماندهی عوامل سازنده قابلیت‌های زمینه و بستر مکانی در خلق معماری پنهان از سوی دیگر اشاره کرد. در حالی که پژوهش‌های پیشین همه به‌نوعی در مدح و ستایش این نوع بستر معماری سخن‌ها گفته‌اند، در این پژوهش به ضرورت بازشناسی تأثیرات دوجانبه این نوع بستر معماری تأکید می‌شود و عواملی چون: شناسایی کامل اغتشاشات عملکردی، ضرورت توجه به آفت‌های معماری نمادین، فراگیر شدن سبک‌های معماری سطحی در بین مردم، غفلت از ایده‌آل‌های معماری متناسب با عصر حاضر و ناتوانی معمار امروزی در ارائه نمونه عملکردی مناسب و پاسخگو را از پیامدهای اسارت در این سبک معماری، نگاه سطحی و احساسی به محیط پیرامون و غفلت از تکنولوژی و دستاوردهای به‌روز معماری قلمداد می‌کند.

از دیگر موارد موردتأکید در این پژوهش، کاربرد نمادها و نشانه‌های معماری سرزمینی و متناسب با عملکرد، رفتارها و توقعات کاربر است. استفاده از نمادها و نشانه‌ها که از دیرباز همواره در فرهنگ اصیل معماری ایران دیده می‌شد، به تدریج با ظهور معماری مدرن و فراگیری شعار یکسانی و یکرنگی در سبک معماری جدید به فراموشی سپرده شد. ب متأسفانه معماری عصر حاضر شاهد زوال و نابودی این نوع سبک معماری و از همه مهم‌تر فراموشی الگوی رمزگان نشانه‌شناختی است؛ از این‌روست که معماری عصر حاضر با نمادهای اجتماعی، ادراکی، معنایی و منطقی بیگانه و ناآشناست.

بی‌تردید چنین بستر مکانی که در بهترین حالت خود با المان‌های مشابه، بی‌هویت و عاریه‌ای آذین‌گشته است، توانمندی ثبت تصویر ذهنی، ماندگاری و جاودانگی در ذات انسانی و کسب مهارت‌های خاطره‌انگیزی را نخواهد داشت.

با بررسی روابط بین مقوله‌های عمده، شرایط زمینه‌ای و شرایط علی در این پژوهش روشن می‌شود که برای پاسخ‌گویی همه‌جانبه و اصولی به دستاوردهای کارکردی خاطره اعم از کارکرد عاطفی، کارکرد حکمی، کارکرد هنری یا زیباشناسی و کارکرد ارجاعی ضرورت وجود بستر تعاملات اجتماعی، عملکردی، رفتاری و احساسی به‌شدت محسوس است.

در نهایت این‌که با بهره‌گیری از روش "قیاس" بین داده‌های داده‌های پژوهش، یادداشت‌نگاری و فرایند ادراک عامل "هویت" به‌عنوان یکی از نتایج ارزنده این پژوهش شناسایی می‌شود. هویت که خود از عواملی چون "معنا"، "ادراک" و "تعلق و وابستگی مکانی" نشأت می‌گیرد، در این پژوهش موردی و در فرایند آموزش معمار از بستر و زمینه معماری با واسطه و یا بی‌واسطه بسیار مهم و کلیدی ارزیابی می‌شود.

با عنایت به این واقعیت که می‌توان برپایه گزاره‌های حکمی یا قضایای مستخرج از دل "نظریه داده‌بنیاد" در پژوهش کیفی، فرضیه‌های راهبردی را تدوین کرد، برای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های کمی با هدف آزمون این فرضیه‌ها طراحی شوند. براین اساس یک رویکرد ترکیبی ارائه خواهد شد که "نظریه داده بنیاد"، بخش کیفی پژوهش را پشتیبانی می‌کند و برای انجام فاز دوم آن، روش‌های کمی پیشنهاد می‌گردد. لذا در این فرایند، انجام یک نظرسنجی بر مبنای یافته‌های بخش اول پژوهش (نظریه داده‌بنیاد)، در دستور کار قرار خواهد گرفت. سپس پرسش‌نامه بین اعضای مورد مطالعه در پژوهش، توزیع شده و پس از جمع‌آوری، با کمک ابزارهای آماری تحلیل خواهد شد. به این ترتیب به‌کارگیری ابزارهای آماری در مرحله نخست و تحلیل و آنالیز اطلاعات حاصله در مرحله ثانی، پژوهشگر را به سمت هدف اصلی سوق خواهد داد. در نهایت نتایج حاصل از این فرایند آنالیزمحور، می‌تواند بیانگر تأیید یا عدم تأیید مفاهیم و یافته‌های حاصل از بخش کیفی بوده و به‌نوعی به آزمایش آن‌ها اشاره خواهد داشت. هم‌چنین باتوجه به این‌که پژوهش حاضر درصدد تبیین مفهوم خاطره‌انگیزی در فضاهای آموزشی معماری با توجه خاص به معماری زمینه و بستر موجود می‌باشد، می‌توان از آن به‌عنوان مبنایی برای پژوهش‌های آتی درخصوص نظریه‌پردازی در جهت ارائه الگوهای کاربردی و اجرایی در عرصه فضاهای آموزش معماری و آینده‌نگری در تعیین خط مشی تازه و ایجاد تفکر بنیادین در راستای استفاده از داشته‌ها، پتانسیل‌ها و قابلیت‌های معماری سرزمینی در همه عرصه‌های معماری استفاده کرد.

کتابنامه

- آیت‌اللهی، محمدحسین (۱۳۸۰): آزمون کارایی (تئوری‌های برخاسته از زمینه در معماری) به‌سوی متریک کردن مفاهیم کیفی. رساله دکتری. دانشگاه شهید بهشتی، ایران
- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی. چاپ چهارم.
- اهری، زهرا (۱۳۹۰). شهر، جشن، خاطره؛ تأملی در نسبت فضاها و جشن‌های شهری در دوران صفویان و قاجاریان. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۷، صص ۵-۱۶.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۹۲). معماری قرن ریشه‌ها و مفاهیم. تهران: نشر هنر معماری قرن. چاپ پنجم.
- برزگر، محمدرضا (۱۳۸۸) بازشناسی هویت شهری، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران. جلد اول: ساخت شهری، شیراز، دانشگاه شیراز.
- بلوکی، سجاد و اخوت، هانیه (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی تشابهات و تمایزات خانه های مسلمانان و زرتشتیان در یزد، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال ۶ شماره ۲۲، صص ۵۱-۶۶
- بنتلی، ای یین و الکک، آن و مورین، پال و مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام (۱۳۸۶). محیط‌های پاسخده. ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ سوم
- پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۳). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمانشهر، حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۸). فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره های جمعی. نشریه علمی پژوهشی صفا. شماره ۲۸، صص ۱۶-۲۸
- حسینی میان‌رودی، نسیم و ماجدی، حمید و سعیده زرآبادی، زهرا السادات و زیاری، یوسفعلی (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی. فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، سال ۱۴، شماره ۵۶، صص ۱۷-۳۲.
- سالدانیا، جانی (۱۳۹۵). راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی. ترجمه: عبدالله گیویان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- غروی الخوانساری، مریم (۱۳۸۷) ارزیابی کیفی مجموعه پردیس مرکزی دانشگاه تهران. نشریه هنرهای زیبا، ۳۵: ۷۵-۸۴
- فدایی‌نژاد، سمیه و کرم‌پور، کتایون (۱۳۹۰). بررسی سیر تحولات بافت و تأثیر آن بر خاطره زدایی از بافت های کهن (نمونه موردی محله عودلاجان تهران). فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، سال ۳، شماره ۶، صص ۸۲-۱۰۰.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه‌ی برپایه (گراندد تئوری GTM). تهران: نشر آگاه. چاپ اول
- گروت، لیندا. وانگ، دیوید (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه: علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم

- لطیفی، غلامرضا و فیضی چشمه گلی، قاسم و باجلال، راحله (۱۳۹۴) تبیین و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری (نمونه موردی: محله نوغان در شهر مشهد). نشریه خراسان بزرگ، ۶، ۲۰: ۲۵-۴۲.
- مهاجرى، ناهید و قمی، شیوا (۱۳۸۷) رویکردی تحلیلی بر نظریه‌های طراحی کریستوفر الکساندر. نشریه هویت شهر، ۲، ۲: ۴۵-۵۶.
- مهرابی، امیرحمزه و خنیفر، حسین و امیری، علی نقی و زارعی متین، حسن و جندقی، غلامرضا (۱۳۹۰). معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، شماره ۲۳، صص ۵-۳۰).
- نقصان محمدی، محمدرضا و میروکیلی، مسعود (۱۳۹۱) مدرسه - محله هنر و معماری یزد تجدید حیات «محله سهل بن علی» با حضور «مدرسه هنر و معماری، نشریه صفا، ۵۸: ۴۵-۶۴.
- نوفل، سید علیرضا و کلبادی، پارین و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری؛ نمونه موردی: محله جلفا در شهر اصفهان. نشریه علمی پژوهشی آرمان شهر، ۲، ۳: ۵۷-۶۹.
- Caimi, A. (2014). Cultures constructives vernaculaires et résilience : entre savoir, pratique et technique : appréhender le vernaculaire en tant que génie du lieu et génie parasinistre. Phd thesis. France: Université de Grenoble.
- Charitonidou, M.N. (2018). The relationship between interpretation and elaboration of architectural form: investigating the mutations of architecture' s scope. Phd thesis. greece: National Technical University of Athens (NTUA).
- Charmaz.K(2008), Grounded Theory as an Emergent Method, In Sharlene,N.H.& Patricia,L. (Eds).Handbook of Emergent Methods. The Guilford Press: New York & London.pp155-170.
- Creswell, J.W. (2003);Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approach, 2nded. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Idrizbegovic-Zgonic, A.(2009). Challenge of set frames. Phd thesis. Italy: Università degli studi di Trieste.
- Lee,J (2001)," A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use", Unpublished Doctoral Dissertlation. University of Nebreska. In Proquest UMI Database.
- Lewicka, Maria(2008), Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past, Journal of environmental psychology, 28(3): 209-231
- Sousa,C.A.A & Headriks. P.H.J(2006)," The Need for Grounded Theory in Developing a Knowledge Based View of Organization Research Methods" Vol 9, NO 3,PP 315-338.
- Papastavrou, I. A. (2016). The ecole des Beaux-Arts of Paris and the greek architecture of 19th - 20th century: the architect Basile Couremenos.Phd thesis. Greece: University of Ioannina
- Turner,Ph (2005). Affordance as Context. Elsevier.